رساله مسمی بلمعه در بیان عقد و نکاح بسم الله الرحمن الرحیم

و سپاس لایق مصوریست که بدایع صور زیبای دلبران حوری صفتان را
بجهت اطفای شهوت حیوانی و القای نوع انسانی اختراع کرد و این شکر
بیقیاس شایستهٔ صانعیست که صنایع اشکال با صفای مهوشان پری
صورت را برای مصلحت دفع وسوسهٔ شیطانی و کسر صورت قوهٔ نفسانیه در خیر
ابداع در آورد و صلوات نامیات و تحیات زاکیات بر ماه برج نبوت و خورشید
فلک رسالت یعنی رسول یوسف لقائی انا املح و پیغمبر شیرین ادای انا افصح
حبیب حضرت الله محمد رسول الله باد و بر آل و عترت آنحضرت که غبار سر کوی ایشان
سرمه چشم جهان بین و جاروب آستان ملایک آشیان ایشان گیسوی حور
العین است اما بعد این رساله ایست مشتمل بر فواید و محتوی بر فی ابد و مسمی
بلمعه و معدی در نکاح دوام و متعه و مهذب واز حشو و اطناب و مرتب بر مقدمه
و چهار باب مقدمه در بیان فضیلت نکاح و آنچه متعلق است بآن بدانکه نکاح در اصل
شرع سنت موکد است و در وی فضیلت بسیار و ثواب بیشمار است و در روایات و اخبار
تنبیه و اشعار بر آنست چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید که و انکحوا الایامی منکم و الصا
لحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع
علیم یعنی که خدا سازید مردان عزب را و بشوهر دهید زنان بیوه را و آنها که صا
و بر هیزکارند از بنده گان و کنیزان خود را اگر ایشان فقیر باشند که حق سبحانه و تعا
ایشان را توانگر گرداند از فضل خود و رحمت و نعمت خدا تعالی متسع و بسیار است
و این آیه شریف و الله اعلم اشارتست بآنکه زوج را از اندیشه فقر و خوف مهر و
نفقه باید که ترک نکنند زیرا که عجز و کمان بدست در حق خداوند تعالی چنانکه در بعضی
روایات آمده و بعد از این مذکور خواهد شد بلکه می باید که اختیار نکاح کنند
و از فقر اندیشه نکنند بجهت آنکه حق سبحانه تعالی وعده داده است فقرا را
بغنا و توانگری چون کدخدا شوند و در روایات وارد است از حضرت امام

رساله مسمّی بلمعه در بیان عقد و نکاح بسم الله الرحمن الرحیم حمد
و سپاس لایق مصوریست که بدایع صور زیبای دلبران حوری صفتان را
بجهت اطفای شهوت حیوانی و القای نوع انسانی اختراع کرد و این شکر
بیقیاس شایستهٔ صانعیست که صنایع اشکال با صفای مهوشان پری
صورت را برای مصلحت دفع وسوسهٔ شیطانی و کسر صورت قوت نفسانیه در خیر
ابداع در آورد و صلوات نامیات و تحیات زاکیات بر ماه برج نبوت و خورشید
فلک رسالت یعنی رسول یوسف لقائی انا املح و پیغمبر شیرین ادای انا افصح
حبیب حضرت اله محمد رسول الله باد و بر آل و عترت آنحضرت که غبار سر کوی ایشان
سرمه چشم جهان بین و خاکروب آستان ملایک آشیان ایشان گیسوی حور
العین است اما بعد این رساله ایست مشتمل بر فواید و محتوی بر فواید و مسمّی
بلمعه و معدی در نکاح دوام و متعه و مهذب و از حشو و اطناب و مرتب بر مقدمه
و چهار باب مقدمه در بیان فضیلت نکاح و آنچه متعلق است بآن بدانکه نکاح در اصل
شرع سنت مؤکد است و در وی فضیلت بسیار و ثواب بیشمار است و در روایات و اخبار
تنبیه و اشعار بر آنست چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید که و انکحوا الایامی منکم و الصا
لحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع
علیم یعنی کدخدا سازید مردان عزب را و بشوهر دهید زنان بیوه را و آنها که صالح
و پرهیزکارند از بندگان و کنیزان خود را اگر ایشان فقیر باشند که حق سبحانه و تعالی
ایشان را توانگر گرداند از فضل خود و رحمت و نعمت خدا تعالی متسع و بسیار است
و این آیه شریف و الله اعلم اشارتست بآنکه زوج را از اندیشه فقر و خوف مهر و
نفقه باید که ترک نکند زیرا که عجز و گمان بد است در حق خداوند تعالی چنانکه در بعضی
روایات آمده و بعد از این مذکور خواهد شد بلکه می باید که اختیار نکاح کنند
و از فقر اندیشه نکنند بجهت آنکه حق سبحانه تعالی وعده داده است فقرا را
بغنا و توانگری چون کدخدا شوند و در روایات وارد است از حضرت امام

جعفر صادق ع از حضرت رسالت پناه ص که فرمود ما یمنع المؤمن ان
یتخذ اهلا لعل الله یرزقه نسمة تثقل الارض بلا اله الا الله یعنی چه
چیز مانع میشود بنده مؤمن را از انکه زنی بخواهد تا باشد که حق سبحانه تعالی
اورا از فضل خود فرزندی روزی کند که زمین را ثقیل وگران بار کرداند
بکلمهء لا اله الا الله یعنی فرزند چون بکلمهء لا اله الا الله تلفظ کند حق سبحانه
تعالی چندان ثواب دهد که زمین گران شود از بسیاری وگرانی آن
ثواب ونیز روایتست از حضرت رسالت پناه که فرمود که من تزوج فقد احرز
نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی یعنی کسی که زن خواست بدرستی
که نیمه دین خود را حرز در آورده یعنی محفوظ کردانید پس باید که بترسد
از خدای تعالی در حق نیمه دیگر که باقی مانده ونیز روایتست از حضرت که فرمود
من کان له ما یتزوج ولم یتزوج لیس منا یعنی کسی که اینقدر داد
چیزی باشد که با آن زن تواند خواست وزن نخواهد از امت من نیست
از حضرت رسالت پناه که فرمود من ترک التزوج من خوف العیلة
فقد ساء الظن بربه یعنی هر که ترک نکاح کند از ترس عیالمندی وفقر
وعدم قدرت بر مهر ونفقه گمان بد برده باشد در حق خدای تعالی واو را
رازق ندانسته باشد ونیز روایتست از حضرت رسالت پناه صلعم
که فرمود تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم غدا فی القیمة ان السقط
لیجئ محبنطئا باب الجنة فیقال ادخل الجنة فیقول لا حتی
ابوای قبلی یعنی نکاح کنید وزن بخواهید زیرا که من فخر میکنم بسبب
از بسیاری امت خود بر امتان پیغمبران دیگر ومباهات می نمایم فردا
در قیامت تا انکه فرزندی که از شکم مادرش افتاده باشد روز قیامت
بیاید ودر در بهشت بایستد خشم آلود وغضب کرده او را گویند که در بهشت
داخل شو تا پدر ومادر من پیش از من داخل شوند بعد از من

داخل شوم

داخل شوم ونیز روایتست از حضرت رسالت پناه ص که فرمود الرکعتان یصلیهما
متزوج افضل من صلوة رجل عزب یقوم لیله ویصوم نهاره یعنی بدرستی
که دو رکعت نمازی که مرد کدخدا بگذارد بهتر از نماز مرد عزب است که آن عزب
همه شب بنماز باشد وهمه روز بروزه باشد ونیز از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایتست که فرمود رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعة
یصلیها عزب یعنی دو رکعت نمازی که کدخدا بگذارد بهتر است از هفتاد
رکعت نمازی که عزب بگذارد واز حضرت رسالت پناه صلعم روایتست که فرمود
یا معشر الشباب اراذل موتاکم العزاب یعنی ای جوانان وذلیل ترین وبدترین
مردگان شما انها اند که عزب مرده باشند ودر روایت دیگر آمده که شرار موتاکم
العزاب یعنی بدترین مردگان شما آنها اند که عزب مرده باشند ونیز روایتست
از حضرت رسالت پناه صلعم که فرمود النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی
فلیس منی یعنی نکاح سنت منست پس هر که روی بگرداند از سنت من انکس
از امت من نیست ونیز نکاح متضمن تکثیر نسل وبقاء نوع انسانیت وسبب
دفع وسوسه شیطانی وتوحش وحدت وخیالات فاسده است وامراض
بسیار از نکاح مندفع میشود مثل مالیخولیا وسوداء وعشق ودمامیل
وبعضی اورام ودرد پشت ومانند اینها ونیز سبب اعانت در ضرو
ریات امور دنیا ودین پس بالضرورت مشتمل بر فضیلت خواهد بود و
فرقی نیست اختیار نکاح میان مرد وزن وانکه نفس او مشتاق
باشد بنکاح وانکس که نباشد ودر جمیع تقادیر اختیار نکاح وزواج
افضل واولیست از انکه کسی ترک کند تا اهل کرده بگوشه بنشیند وعزلت
اختیار کند وبعبادت مشغول شود خصوصا نسبت بانکسی که شهوت
بر وی غالب باشد ونفس او مایل ومشتاق شهوت باشد مثل جوانان

صحیح الابدان واین اولویت اختیار نکاح بر تخلی بجهت عبادات
بنسبت بانکسانست که عارف باشند بر واجبات وکیفیت عبادات واما
انکسانی که جاهل باشند از معرفت واجبات وطریق عبادات عاری اند
عزلت وعبادت ایشان محض ضلالت که اولئک کالانعام بل هم
اضل ودلیل برانکه اختیار نکاح اولی وافضلست از تخلی وعزلت واشتغال
بعبادت آنست که روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق ع ا
از حضرت رسالت پناه صلعم که فرمودند ما استفاد امرء فائدة
بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة تسره نظر الیها وتطیعه
اذا امرها وتحفظ اذا غاب عنها فی نفسها وماله یعنی حاصل
نکردد مرد مسلمانرا بعد از اسلام هیچ فائده که فاضلتر وبهتر باشد
از زن مسلمان که در عقد خود در آورد وچون نظر کند در روی
آن زن شاد کردد وچون کاری فرماید آن زن اطاعت کند وچون
غایب شود آن زن نفس خود را نکاه دارد از خیانت ومال شوهر را
محافظت از تلف شدن واحادیث واخبار در این باب بسیار است
اما از جهت اختصار بدین مقدار اختصار افتاد وبدانکه نکاح
اکر بجنب اهل شرع سنت موکد است چنانکه مذکور شد اما کاه باشد
که واجب کردد چنانکه مشهور است که کسی مستولی شود وخوف
باشد که در حرام افتد ودفع آن شهوت ممکن نباشد بهیچ وجهی
الوجوه الا بزواج در آن حالت واجب باشد واکر دفع شهوت
بوجه دیکر مندفع توان کرد غیر از زواج که آن وجه مباح وشرعی
باشد مثل صوم وقلت اکل وریاضت اختیار زواج که آن وجه
در آن حالت احد الوجهین باشد علی التخییر وافضل باشد چنانکه

کذشته

داخل

۳ کذشت وکسانی که ترک تاهل کرده ودر کوشها نشسته دعوی پارسائی
وترک شهوت نفسانی کرده میکویند ما با نفس مخالفت میکنیم ونفس را
از مشتهیات ومستلذات باز میداریم ومنع میکنیم اکثر ایشان
در آن دعوی کاذبند واکر کسی تفتیش وتفحص نماید بیشتر آنها بشهوت
نفسانی مشغول خواهند بود از وجه حرام وکاه باشد که زواج
حرام باشد مثل نکاحی که مودی شود بترک واجب یا ارتکاب حرام
وکاه باشد که مکروه بود مثل نکاح زانیه وغیر آن چنانکه مذکور خواهد
شد وبدانکه زنا حرام وقبیح ومعصیتست وموجب حد ورجمست در
دنیا وسبب خزی وعقابست در آخرت ولواطه از زنا بدتر است
وپنج چیز است که در هیچ شرعی وملتی حلال نبوده بلکه در جمیع شرایع
وملل حرام بوده اول کفر وارتداد دویم قتل نفس بغیر حق سیم خوردن
مال حرام بباطل چهارم زنا ولواطه پنجم زنا ومسکرات وانچه پیش
بعضی عوام وجهال مشهور است که مسکرات در بعضی ملل حلال بوده آن
کفر محض است وبدانکه نفس زن بر مرد حلال نشود الا بیکی از دو چیز
یکی از عقد نکاح دویم ملک چنانکه حق سبحانه وتعالی میفرماید که و
الذینهم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم
بدرستی که رستکار یافتند مومنان که نفسهای خود را محافظت
مینمایند وشهوت نمیکنند مکر زنان خود که در عقد نکاح خود در آورند
یا با آن زنی که مالک شدند ایشانرا یعنی کنیزان وعقد نکاح
بر دو قسمست یکی عقد دوام وعقد متعه وملک نیز بر دو قسمست
یکی ملک رقبه دویم ملک منفعة وتفصیل اینها مذکور خواهد شد

انشاء الله تعالی باب اول در بیان عقد دوام و ارکان آن ۳
چهار است زوج و زوجه و مهر و صیغه ایجاب و قبول و در این باب
سه فصل است فصل اول در بیان زوجین و سنت بود که چون کسی
اراده کند که زنی بخواهد اول دو رکعت نماز بگذارد و این دعا
بخواند اللهم انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی من النسا
احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن لی فی نفسها
و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة لی منها و لدا طیبا
تجعله لی خلفا صالحا فی حیوتی و بعد موتی اما شرط
زوج و زوجه در نکاح آنست که اتفاق نکاح در میان ایشان
مباح باشد و از آن قبیل نباشد که زواج در میان ایشان حرام
باشد مثل محارم و غیر آن چنانکه مذکور خواهد شد و سنت بود
مرد که زن بکر عفیفه اصیله ولود ودود اختیار کند و ولود
آنست که در سن ولادت باشد و بعضی گفته اند که ولود آنست
که کسان او را فرزند شود و عقیم نباشد و ودود آنست که شوهر
خود را دوست داشته باشد و نیز سنت باشد بر ولی زن که از رای
او شوهر صاحب دیانت اختیار کند و وقتی که آن زن را بشوهر
دهند اگر شوهر و زن هر دو بالغ و کامل العقل باشند جایز بود
ایشان را که بنفس خود متولی عقد شوند و جایز بود که دیگری را
وکیل کنند و اگر کامل نباشند ولی ایشان متولی عقد ایشان
شود و ولی پدر و جد پدری است و غیر ایشان از اقارب
مثل برادر و جد مادری یا عم یا خال را ولایت نیست و ولایت

پدر

۴ پدر و جد پدری مخصوص است بر صغیر و مجنون و کسی را
بر بالغ و عاقل ولایت نیست در نکاح و شرط متعاقدین در نکاح
خواه زوجین و خواه وکیل ایشان و خواه ولی ایشان باشند
آنست که بالغ و عاقل و باشعور و با اختیار و قصد باشند
و قادر باشند بر تلفظ صیغه معنی الفاظ ایجاب و قبول را
دانند پس عقد غیر بالغ و دیوانه و مست و مغمی علیه و مکره و کسی
که تلفظ نتواند کرد بصیغه ایجاب و قبول یا معنی آن الفاظ
را نداند درست نباشد فصل دویم در بیان مهر
بدانکه ذکر مهر در عقد دوام شرط نیست پس اگر در عقد دوام
ذکر مهر نکنند عمدا یا سهوا عقد درست باشد و مهر المثل لازم آید
و اگر در عقد مهری را ذکر کنند که ملکیت نشاید نسبت بزوجین
مثل خمر در عقد مسلمانان ذکر مهر نخواست و عقد درست باشد و مهر
المثل لازم آید و اگر مهر مجهول ذکر کنند در عقد حکم همین باشد که مذکور
شد و اگر مهری ذکر کنند که ملکیت را شاید نسبت بزوجین و معین باشد
بعدد یا کیل یا وزن یا مشاهده آن آن عقد درست و مهر معین
مذکور لازم گردد خواه از اثمان باشد یا از اجناس یا از متاع مثل یک تنکه
یا یک ته نان یا تعلیم یک سوره از قرآن که معین باشد و مهر در قلت
و کثرت محدود نیست شرعا بر سبیل لزوم اما مهر سنت پانصد درهم
شرعیست و بیشتر از این سنت نیست اما جایز است هر چند که بسیار باشد
و کمتر از این جایز است هر چند کم باشد مگر او را قیمتی و منفعتی نباشد
مثل یک دانه گندم و هر عقدی که در وی ذکر مهر نکنند یا ذکر مهری کنند

که صحیح نباشد آن عقد درست باشد اینجا چنانکه گذشت و مهر المثل
آنست که لایق و مناسب آن زن باشد نظر بجمال و سن و سایر
و خویشی و قبیله و سایر احوال او کرده بشرط آنکه از مهر سنت
که پانصد درهم شرعیست زیاده نباشد و اگر مهر مثل زیاده از مهر
سنت باشد رد کرده شود بمهر سنت و زیاده لازم نباشد و سنت
بود که مهر زن کم کنند چنانکه روایتست از حضرت رسالت پناه
صلعم که فرمود افضل نساء امتی اصبحهن وجهاً و اقلهن
مهراً یعنی بهترین زنان امت من آنها اند که جمیله تر باشند و مهر
ایشان کمتر باشد و نیز روایتست از حضرت امام جعفر صادق ع
که فرمود فاما المرأة فشومها غلاء مهرها و عسر ولادها یعنی
شومی زن بدو چیز است یکی آنکه مهر او گران باشد دوم آنکه ولادت
او دشوار باشد و در روایت دیگر آمده فاما شوم المرأة لکثرة مهرها
و عقوق زوجها یعنی شومی زن آنست که مهر او بسیار باشد
و با شوهر مخالفت کند و فرمان برداری او نکند و در روایت دیگر
آمده که من برکة المرأة قلة مهرها و من شومها کثرة مهرها
یعنی برکت زن آنست که مهر او کم باشد و شومی او آنست که مهر او بسیار باشد فصل سیم
در صیغه عقد شرط صیغه ایجاب و قبول آنست که بعربی باشد و لازم است
که الفاظ ایجاب و قبول درست باشد از روی صیغه صرفی و ترکیب و بنای
نحوی پس اگر لحنی واقع شود عقد درست نباشد و لازمست که صیغه عقد
بلفظ ماضی واقع شود پس اگر بلفظ مضارع یا امر یا استفهام واقع
شود باطل شود و می باید که فصل معتد به در میان ایجاب و قبول

واقع نشود و اگر فصل معتد به واقع شود عقد باطل باشد و می باید
که متعاقدین معانی الفاظ صیغه را دانند و بقصد و ارادت از ایشان
واقع شود پس اگر معنی الفاظ را ندانند یا قصد معتبر واقع نشود
یا از اهل آن نباشند یا باکراه و اجبار از ایشان واقع شود عقد درست
نباشد چنانکه گذشت و صیغه ایجاب در عقد دوام دو است یکی
زوجت دوم انکحت و صور عقد باعتبار توسط وکیل از هر دو جانب
یا از یک جانب یا عدم آن و باعتبار تعدد وکالت و ایجاب آن
باعتبار تعدد وکالت و ایجاب آن یا باعتبار اختلاف مهر بجنس
و قلت و کثرت و مانند آن بسیارست اما در این رساله بعضی صورت از آن
مذکور میشود و باقی صور بمقایسه معلوم شود کسی که عارف بعربیت
باشد اما کسی که جاهل باشد بعربیت و قادر بر ترکیب و تصحیح آن نباشد
و معرفت معانی الفاظ عرب و قاعده ایشان نداشته باشد و معرفت
معانی الفاظ شرعیه را نداند و ارکان و شرایط و کیفیت عقد را جاهل باشد
او را جایز نیست که در این کار دخل کند صورت اول اگر زوجین با یکدیگر تخاطب
کنند زن گوید بمرد که زوجتک نفسی بمائة تنکه مثلا مرد بگوید بلا فصل قبلت
التزویج و التزمت المهر و اگر بمجرد قبلت اکتفا کند کافی باشد صورت دوم
آنکه از هر دو جانب کسی وکیل باشد وکیل زن بوکیل مرد گوید که زوجت منی
موکلتی فلانه موکلک فلانا بمائة تنکه یا گوید زوجت موکلک فلانا موکلتی
فلانه بمائة تنکه آنگه وکیل مرد گوید که قبلت لموکلی صورت سیم
آنکه از جانب زن وکیل باشد فقط وکیل زن گوید بمرد که زوجتک موکلتی

فلانه بخمسین تنکه انکه مرد کوید قبلت صورت چهارم عکس صورت سیم آ
بس زن کوید بوکیل مرد که زوجت نفسی موکلک فلانا یا کوید زوجت
موکلک فلانا نفسی بعشرین تنکه انکه وکیل مرد کوید قبلت لموکلی
صورت پنجم انکه یک کس وکیل باشد از جانبین و در صحت این
عقد خلاف است انکس کوید زوجت موکلتی فلانه موکلی فلانا کوید
زوجت موکلی فلانا موکلتی فلانه بالف تنکه باز خود کوید قبلت
لموکلی صورت ششم انکه شوهر وکیل باشد از جانب زن پس کوید
زوجت موکلتی فلانه نفسی یا کوید که زوجت نفسی موکلتی فلانه باحدی
و عشرین تنکه باز کوید قبلت صورت هفتم انکه زن وکیل باشد
از جانب شوهر پس کوید زوجت نفسی موکلی فلانا یا کوید زوجت
موکلی فلانا نفسی باربعین تنکه و باز خود کوید قبلت لموکلی و اگر وکیل
از هر دو جانب یا یکجانب متعدد باشد بقیاس صور مذکوره معلوم
تواند کرد کسیکه او را معرفتی باشد و اگر بر سر مفعول دویم در صیغهای
ایجاب حرف جر مثل من یا با داخل کردانند جایز باشد و سنت بود که
مؤمنان را بخوانند و طعام دهند یک روز یا دو روز در وقت زفاف
یعنی وقتیکه خواهند عروس را بخانه داماد برند پیش از انکه با او بسیار زید
روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود الولیمة یوم و یومان مکرمة و ثلاثة
ایام ریاء و سمعة یعنی طعام عروسی یک روز یا دو روز تکریمست و سه روز
ریا و سمعه است و سنت بوده پیش از عقد خطبه خوانند و عقد در شب
واقع شود و آشکارا باشد و جمعی از مؤمنان را بر آن کواه کیرند و مکروهست

عقد

عقد کردن وقتیکه قمر در برج عقرب باشد و در روایت آمده که نکاح کنند
وقتیکه قمر در عقرب باشد هیچ خوبی از آن نکاح نه بیند چون عروس بخانه
شوهر رود سنت بوده باوضو باشد و شوهر نیز باشد و چون در خانه
در آید نزد عروس رود و دست بر پیشانی او نهد و این دعا بخواند اللهم
علی کتابک تزوجتها و فی امانتک اخذتها و بکلماتک استحللت
فرجها و ان قضیت منها ولدا فاجعله مبارکا سویا و لا تجعل
للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا و اگر زن موزه پوشیده باشد سنت
بوده موزه او را بکنند و پای او را بشویند و آن آب را بظرفی از خانه
بگیرند و در چهار گوشه آن و همه سرای خود بپاشند و در روایت آمده
که چون آبرا بچهار جانب سرای خود بپاشند فقر و درویشی زایل کردد
و غنا و توانگری و برکت و رحمت نازل شود و آن زن ایمن شود
از جنون و جذام و برص مادام که در آن خانه باشد انکه دو رکعت
نماز بگذارد و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا بخواند
اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها و ارضنی
بها و اجمع بیننا باحسن اجتماع و ایسر ایتلاف فانک
تحب الحلال و تکره الحرام و زن را نیز با آن امر کنند و شیخ
شهید در حاشیه قواعد آورده که ابن الجوزی در کتاب صفوة
الصفوة روایت از عبد الرحمن سلمی که حضرت سلمان

فاری زن را خواست از بنی کنده چون سلمان در خانه در آمد نزد
عروس بنشست و دست در پیشانی عروس نهاد و این دعا خواند
لکه با زن گفت آنچه تو را فرمایم اطاعت من خواهی کرد در آن چیز
زن گفت تو را اطاعت میکنم زیرا که مقام و محل تو آنست که تو را
اطاعت کنم سلمان گفت حبیب من حضرت رسالت پناه صلعم وصیت
کرده مرا و فرموده که چون با اهل خود ترا اجتماع افتد باید که اول بطاعت
خدا جمع شوید پس سلمان و عروس هر دو برخواستند و بمسجد در آمدند
و گوشه بنماز مشغول شدند آن مقدار که خواستند و بعد از آن از مسجد
بیرون آمدند و بخانه خود رفتند بحال خود پرداختند و آنچه در میان
جهان و قلندران مشهور است که سلمان مجبوب بوده و هرگز
تاهل نکرده آن غلط و جهالت بلکه آن رضی الله عنه تاهل کرده و او را
فرزندان است و آنچه محقق است آنست که او را دو پسر بوده و از آن
دو پسر نسل و نتایج بسیار حاصل شده و بعضی از ایشان در ری بودند
همه اهل فضایل و اهل علم و روایات و اخبار و کتب الرجال ناطق است
برین معنی و درین شکی نیست **باب دوم** در بیان عقد متعه و این
باب مشتملست بر سه فصل **فصل اول** در بیان مشروعیت و فضیلت
متعه و آنچه بآن تعلق دارد بدان که اجماع واقعست در میان
اهل اسلام از امت حضرت رسالت صلعم در این که نکاح متعه که آنرا نکاح
منقطع میگویند در صدر اسلام مشروع بوده بحکم خدا و نص
پیغمبر صلعم و موافق و مخالف و شیعه و سنی همه متفق اند درین

معنی

معنی و هیچ کس از اهل اسلام در این خلاف ندارند و اکابر صحابه و تابعین
و غیرهم ارتکاب این فعل کردند و این حکم مستمر و شایع
بود تا زمان آن لعین کذاب عمر ابن خطاب علیه اللعنة و قرآن و احادیث
و آیات دلالت بر مشروعیت متعه میکند چنانکه حق سبحانه تعالی امر
که فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضة یعنی
این الجنیزن را بآن چیز استمتاع کردید از زنان پس بدهید مهر
ایشان را با ایشان را فرض و لازم است یعنی مهر ایشان را که دیده
بجهت تمتع آنرا با ایشان بدهید مفسران روایت کرده اند
از عبد الله عباس و از سدی و از سعید بن جبیر و از جماعت تابعین
که مراد از استمتاع در این آیة نکاح متعه است و در قراءة شاذه
چنانی نقل کرده اند از عبد الله عباس و عبد الله بن مسعود و ابی بن کعب
و غیر ایشان که فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمی فا
توهن اجورهن فریضة و این قراءت نص است در متعه
زیرا که اجل مسمی یعنی مدت معین در غیر متعه نمی باشد و ظاهرست
که مراد از اجل آن مدتیست که در عقد متعه ذکر کرده میشود
و نیز روایتست که شخصی از عبد الله بن عباس پرسید که حکم متعه
چیست در شرع عبد الله عباس گفت مگر سوره نسا نخوانده
آن شخص گفت خوانده‌ام عبد الله عباس گفت خوانده که فما استمتعتم

به منهن الا اجل مسمی فاتوهن اجورهن فریضة
آنشخص گفت ما اینچنین نمیخوانیم یعنی الا اجل مسمی نمیخوانیم
عبدالله عباس گفت که خدایتعالی این آیت را اینچنین فرستاده یعنی
الی اجل مسمی مذکور است در این آیه و سه بار این آیه را تکرار کرد
و روایت کرد مسلم در صحیح خود باسناد خود از عطا که گفت جماعتی
از جابر ابن عبدالله انصاری مسایل چند پرسیدند از آن جمله این بود
که آیا متعه مشروع و حلالست یا نه جابر گفت که آری حلالست و حضرت
رسالت پناه صلعم آنرا مشروع کرد بحکم خدایتعالی و مخفی نیست که مسلم
از معتبران محدثین است نزد سنیان و روایت است از حضرت امام محمد باقر ع
از حضرت رسالت پناه صلعم که در شب معراج جبرئیل ع مرا گفت یا محمد
حق عز و جل میفرماید که من آمرزیدم امتان ترا اگر متعه کنند و این
حدیث متضمن است بر فضیلت متعه چنانکه دلیل است بر مشروعیت
آن و روایت است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق ع پرسید
که حضرت رسالت پناه صلعم متعه کرد حضرت امام ع فرمود که آری
و بالجمله نزاعی نیست در میان اسلام در مشروعیت متعه در صدر
اسلام و اگر کسی مشروعیت متعه را در صدر اسلام انکار کند آنکس
از عمر منافقتر و ملعون‌تر باشد زیرا که عمر علیه اللعنة اقرار کرد که متعه
در صدر اسلام مشروع بود اما نزاع در میان سنی و شیعه
در نسخ و عدم نسخ است آنست که سنی میگوید که متعه در صدر اسلام

مشروع

مشروع بود اما بعد از آن منسوخ شد و سند ایشان آنست که عمر علیه اللعنة
در ایام خلافت خود بر بالای منبر شد و گفت ایها الناس ثلث کن
على عهد رسول الله وانا انهى عنهن واعاقب علیهن متعة
الحج وحی على خیر العمل یعنی سه چیز در عهد و عصر حضرت پیغمبر صلعم
حلال و مشروع بود و مردم آنرا بجا می آوردند بحکم خدا و رسول
خدا اما من در این زمان حرام میگردانم و منع میکنم مردم را
از آن و عتاب و ایذا و آزار میکنم هر که آنرا ارتکاب کند و آن
سه چیز است یکی متعه زنانست و دویم متعه حج است و سیم حی على خیر العمل است
در اذان و در روایت دیگر آمده که عمر علیه اللعنة بر بالای منبر گفت متعتان
کانتا فی عهد رسول الله حلالا انا احرمهما واعاقب علیهما متعة النساء
ومتعة الحج یعنی دو متعه که در زمان حضرت پیغمبر صلعم بود من حرام
میگردانم و عقاب میکنم آنکسی را که یکی از این دو ارتکاب کند و آن
دو متعه یکی متعه زنانست دویم متعه حج است و سنیان میگویند که از
حضرت رسالت پناه صلعم شنیده است که متعه منسوخ شده است
بنابر آن بر بالای منبر این سخنان گفت و اگر از حضرت پیغمبر صلعم
منسوخ شدن متعه را می شنید آن سخنان در بالای منبر نمیگفت
و شیعه میگویند که مشروعیت متعه باقیست و مستمر چنانکه در صدر
اسلام بود منسوخ نشد اصلا و هیچکس از حضرت رسالت پناه صلعم
در باب منسوخ شدن متعه چیزی نشنیده زیرا که پیغمبر صلعم

از امنسوخ نکرد و آخر آن لعين کذاب عمر خطاب بر بالای منبر گفت
از پيش خود گفت از روی کفر از پيش خود گفت از روی کفر و عناد و نفاق
و ارتداد و سخن او باطل و خطا است و از حضرت رسالت پناه صلعم
در اين معنی چيزی نشنيده اصلا و قطعا و دليل بر اين مدعی و دليل
بر اين مدعی بسيار است اول احاديث و اخبار بسيار متواتر المعنی
که مرويست از اهل البيت ع دلالت ميکنند بر استحباب و فضيلت
متعه چنانکه شيخ ابن بابويه قمی در کتاب من لا يحضره الفقيه روايت
کرده بسند خود از حضرت امام صادق ع فرمود لَيْسَ مِنَّا مَنْ
لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا وَلَمْ يَسْتَحِلَّ مُتْعَتَنَا يعنی از ما نيست آنکسی که اعتقاد
نکند و باور ندارد ظهور ما را و حلال نداند متعه را و نيز روايت از
صالح بن عقبه از پدرش که گفت از حضرت امام محمد باقر ع پرسيدم
که در متعه کردن ثوابی هست حضرت امام فرمود که اِذَا كَانَ يُرِيدُ
بِذٰلِكَ وَجْهَ اللهِ تَعَالٰى وَخِلَافًا عَلٰى مَنْ اَنْكَرَهَا لَمْ يُكَلِّمْهَا كَلِمَةً
اِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ حَسَنَةً وَلَمْ يَمُدَّ يَدَهُ اِلَيْهَا اِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ حَسَنَةً
فَاِذَا دَنَا مِنْهَا غَفَرَ اللهُ لَهُ بِذٰلِكَ فَاِذَا اغْتَسَلَ غَفَرَ اللهُ بِعَدَدِ مَا مَرَّ
مِنَ الْمَاءِ عَلٰى شَعْرِهِ قُلْتُ بِعَدَدِ الشَّعْرِ قَالَ نَعَمْ بِعَدَدِ الشَّعْرِ يعنی
کسی که زنی را متعه کند خالصا مخلصا بوجه الله بقصد امتثال شريعت
و حصول ثواب و مخالفت آنکسی که متعه را منع کرد يعنی عمر عليه اللعنة
در هر کلمه که گويد حق سبحانه تعالی برای وی حسنه نويسد و چون
دست خود بسوی آن زن دراز کند حق عز و علا برای وی حسنه
نويسد

نويسد و چون با آن زن نزديکی کند حق عز و جل گناهان او را بيامرزد
و چون غسل کند حق تعالی بعدد هر مويی که آب بر او گذشته باشد مغفرت
و رحمت بخشد راوی گويد که گفتم بعدد هر مويی که آب بر او گذشته باشد
حضرت امام ع فرمود که آری بعدد هر مويی که آب بر او گذشته باشد
و نيز روايت صحيح است که شخصی از حضرت امام محمد باقر ع سؤال کرد و گفت
که سوگند خوردم که متعه نکنم اکنون پشيمان شدم آيا جايز باشد
مرا که متعه کنم حضرت فرمود که ما هذا اِنَّكَ حَلَفْتَ اَنْ لَا يُطِيعَ اللهَ
وَاللّٰهِ اِنْ لَمْ تُطِيعُهُ تَعْصِهُ يعنی ای مرد تو سوگند خوردی
که خدا را اطاعت و فرمانبرداری نکنی بحق آن خدا اگر خدا را
اطاعت نکنی دشمن او باشی پس بنابراين روايت هر که متعه نکند
دشمن خدا باشد آيا حال منکران چه باشد و نيز روايتست از حضرت
رسالت پناه که هر که يکبار متعه کند ثلث او آزاد شود از دوزخ
و هر که دو بار متعه کند ثلثين او آزاد شود و هر که سه بار متعه
کند همه او آزاد شود و نيز روايتست از حضرت پيغمبر صلعم که فرمود
مَنْ خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا وَلَمْ يَتَمَتَّعْ جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَهُوَ
اَجْدَعُ يعنی هر که از دنيا بيرون رود و متعه نکرده باشد روز قيامت
بيايد بد منظر و بد هيئت مثل کسی که بينی او بريده باشد و احاديث
و روايات در اين باب از حضرت رسالت پناه صلعم و از ائمه ع

بیشتر از آنست که حصر توان کرد و این روایات همه دلیل است بر
مشروعیت متعه و باقی و مستمر است و منسوخ نشده و آنچه عمر ملعون در
بالای منبر گفت باطل و خطا بود و از پیش خود گفت و از حضرت پیغمبر صلعم
در باب نسخ متعه چیزی نشنیده بود و دلیل دویم آنست که اگر عمر ابن
خطاب علیه اللعنة والعذاب الشدید در باب نسخ متعه از حضرت
پیغمبر صلعم چیزی می شنید البته بمردم میگفت و در آن زمان اظهار
میکرد چنانکه در زمان خود کرد یا در زمان ابابکر لعین افشای آن
سخن میکرد و حال آنکه آن لعین کذاب در آن زمانها چیزی ازین
مقوله نگفت اصلا و ساکت بود تا زمانی که اهل ضلالت با او بیعت
کردند بعد از آن آن ملعون بر بالای منبر آن سخنان گفت و پیش از
آنکه آن لعین بر بالای آن سخنان گوید متعه در میان مسلمانان
رایج بود و کسی از آن منع نمیکرد پس چون عمر لعین آن سخنان
را در آن زمانها نگفت و در زمان خود گفت معلوم شد که از حضرت
پیغمبر صلعم چیزی نشنیده بود در آن منع بلکه از پیش خود گفت
از روی کفر و نفاق دلیل سیوم آنست که اگر عمر لعین در باب نسخ
متعه چیزی می شنید و از حضرت رسالت پناه می بایست
که از آنحضرت روایت میکرد و نسبت آن سخن با نحضرت میرسانید
و بر وجه اعلام میکرد که بر کسی مخفی نمی ماند که او از آنحضرت چیزی
شنیده است

شنیده است مثل آنکه میگفت که ای مردمان بدانید که من از پیغمبر صلعم
شنیدم که گفت متعه منسوخ شد کسی دیگر با آن عمل نکند یا آنکه
دیدم که پیغمبر صلعم از آن منع میکرد تا آن وجهی که از پیش خود ادا
میکرد و حال آنکه آن لعین چنین بیان نکرد بلکه گفت
متعه در زمان حضرت رسول صلعم حلال بود و مباح و مشروع
مید انشد و من حرام میکردانم و منع میکنم از آن و عقاب (عقوبت)
میکنم بر آن و این سخن صریحست در آنکه آن لعین منکر
بوده و رد کرده بر حضرت پیغمبر صلعم و آنچه بر بالای منبر گفت از پیش خود
گفت از کفر و عناد و دلیل چهارم آنست که چون عمر علیه اللعنة
بر بالای منبر آن سخنان گفت اکابر صحابه مثل عبدالله عباس
و غیر او التفات بسخن آن لعین نمیکردند و همچنین متعه
میکردند و هر چند آن لعین ایشان را تهدید و وعید میداد ایشان
از آن عمل باز نمیگشتند و ترک نمیکردند بلکه بآن فتوی میدادند
و بر آن عمل میکردند و میگفتند که چیزی که از حضرت پیغمبر صلعم
شنیدیم و آنحضرت آنرا مباح کردانید بقول عمر از آن باز
نگردیم و بر این اعتقاد عمل نمود تا او از دنیا بدوزخ خرامید
و ایشان بر آن ثابت چنانکه در روایات و اخبار رو تو ازیشان
مسطور است پس معلوم شد که عمر لعین آن سخنان را از پیش خود

کفت واز حضرت صلعم در آن معنی چیزی نا شنیده بود دلیل
پنجم انکه چون نکاح متعه در صدر اسلام مشروع و مقرر شد
درمیان مسلمانان شهرت تمام یافت صحابه وغیرهم بآن عمل
کردند مثل نکاح دوام و مدت مدید این حکم استمرار داشت
پس اگر بعد از آن منسوخ میشد لازم بود که حضرت پیغمبر صلعم که نسخ
آن آیه بهمه امت یا اکثر امت برساند و شهرت تمام دهد بمرتبه
که منسوخ کشتن آن برکسی نماند تا انکه مردم از آن باز کردند
و دیگر کسی بآن عمل نکند مثل سایر احکام که منسوخ کشته زیرا
که تاخیر بیان از وقت حاجت جایز نیست چنانکه در اصول
فقه مقرر شده واگر حکم متعه منسوخ میشد و حضرت پیغمبر صلعم از آن
نسخ میکرد مشهور میشد پیش عمر علیه اللعنه غیر از آن
لعین کسان دیگر از آن منع میکردند وحال انکه پیش انظالم هیچ
کس از حکم متعه منع نکرده و در زمان آن لعین نیز بغیر از آن
لعین کسی دیگر منع نکرده و بعد از آن لعین هرکه منع کرد از متعه
از متابعان آن ملعون پس اگر آن لعین در نسخ متعه چیزی شنیده
باشد لازم آید که حضرت پیغمبر صلعم نسخ نکاح متعه را با وجود اشتهار
تمام درمیان امت بعمر خطاب کفته باشد و هیچ کس دیگر نکفته
باشد اصلا و قطعا واین حکم را از همه امت پنهان کرده باشد
و همه اهل اسلام را در غفلت باز کذاشته باشند تا عمل کنند بحکمی

که منسوخ

که منسوخ شده و ارتکاب نماید چیزی را که غیر مشروع باشد واین محالست
وهر که این کوید واینچنین اعتقاد کند کافر مطلق باشد پس معلوم شد
انچه عمر لعین بر بالا یا منبر کفت از پیش خود کفت واز حضرت پیغمبر صلعم
در آن معنی چیزی نشنیده بود و مخفی نماند که این دلیل پنجم در حقیقت
مرکبست از دو دلیل چنانکه بتامل صادق ظاهر میشود اما چون
این جز متفرع از اول بود در سلک یک دلیل انتظام یافت
دلیل ششم انکه جمعی از سنیه در تصانیف خود چنین آورده اند
که متعه منسوخ نشد و کفته اند که جماعتی از صحابه و تابعین
مثل عبد الله بن عباس وغیره بر آنند که مشروعیت متعه باقیست
و منسوخ نکشت بلکه عمر خطاب علیه اللعنه والعذاب از پیش خود
آنرا نهی کرد و از پیغمبر صلعم در آن معنی چیزی وارد نشد چنانکه
مسلم و بخاری هر دو در صحیح خود واز طرق متعدده روایت
کرده اند که عمر خطاب علیه اللعنه والعذاب متعه را باطل کرد واز
آن نهی نمود و غیر از او هیچکس دیگر نهی نکرد و مخفی نماند که این
سخن دلیل صریحست بر انکه متعه منسوخ نشد و نیز ثعلبی که از
اکابر سنیانست در تفسیر خود روایت کرده از راویان
طریق خود که آیه فما استمتعتم به منهن در مصحف ابن
ابن عباس چنین بود که فما استمتعتم به منهن الی اجل

مستمی و ثعلبی در تفسیر خود آورده که این منسوخ نشد و نیز ثعلبی
در تفسیر خود روایت کرده از حضرت امیرالمومنین علیه السلام که فرمود
لَوْلَا اَنَّ عُمَرَ نَهَی عَنِ الْمُتْعَةِ مَا زَنٰی اِلَّا شَقِیٌّ یعنی اگر عمر
علیه اللعنة از متعه منع نمیکرد هرگز زنا واقع نمیشد مگر از بد
بختی یعنی زنا واقع نمیشد مگر اندکی نادر او این روایات همه دلیل
قوی است بر آنکه متعه منسوخ نشد و مشروعیت آن مستمر است
و اخر عمر علیه اللعنة بر بالای منبر گفت از پیش خود گفت و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن معنی چیزی نشنیده بود و این دلیل ششم برای الزام
خصم و اثبات مدعی اقوی است چنانکه گفته اند و الحق ما شهدت
به الاعداء و نیز در جمع بین الصحیحین روایت کرده اند از عبد الله
بن عباس که گفت در زمان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله متعه میکردیم
تا آنکه چون عمر علیه اللعنة بخلافت برخاست گفت که خدا تعالی از
برای پیغمبر خود هر چه میخواست حلال کرد اینک اکنون آن گذشت
و قرآن بجای خود است پس چون بحج یا عمره شروع کردید آن را با تمام
برسانید چنانکه خدای تعالی شما را بآن امر کرده و توبه کنید از متعه زنان
و هر مردی را که پیش من آرند که او متعه کرده باشد سنگسار کنم مخفی نیست
که این روایت با آنکه از طریق سنیان است چنانکه مذکور شد دلیلست
بر آنکه عمر علیه اللعنة متعه حج را باطل کرد با آنکه حضرت بآن امر کرده و مبالغه
فرموده و دلالت میکند بر آنکه او مغیر شریعت بود و دلالت بر جرأت

و طغیان

و طغیان آن لعین میکند در تغییر دین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دلیل
بر آنکه او محرم ما احل الله و محلل ما حرم الله بود و هر که باشد
بلا شک کافر بود و هر کسی که متعه نکند با خرو ریا و یا بسببی
مثل تقیه و مانند آن آنکس از اتباع و اشیاع عمر علیه اللعنة
باشد و عجب در این آنست که هیچ فرقی نیست میان نکاح
دوام و نکاح متعه در استحباب و واجبات مثل رضای
زوجین و صلاحیت ایقاع عقد در میان ایشان
و ایجاب و قبول و مهر و سایر شرایط و کیفیت مگر اجل که
در متعه شرطست و در دوام نیست پس چرا اهل جهالت
و ضلالت دوام را مشروع میدانند و متعه را حرام و نا
مشروع میخوانند لعنت خدای بر عمر خطاب و تابعان
او باد که این همه بدعت ایشانست فصل چهارم در ارکان
عقد متعه و آن پنج است زوج و زوجه و مهر و اجل و صیغه
اما حکم زوج و زوجه و مهر در عقد متعه مثل آنست که در عقد
دوام گذشت مگر آنکه ذکر مهر در عقد متعه شرطست پس
اگر مهر نکنند در وی عمدا یا سهوا یا شرط کنند که مهر نباشد
یا مهر مجهول یا حرام مثل خمر یا مانند آن ذکر کنند عقد صحیح
نباشد و در عقد دوام ذکر مهر در متن شرط نیست چنانکه
گذشت و اما اجل شرط آن آنست که معین و محدود

ويستحب ان يضيف
اليها الصلوة على [illegible] الانبياء و
يدعو للمؤمنين والمؤمنات [illegible] الدعاء [illegible] وان كان [illegible]
المنقول افضل عقيب الثالثة ويدعو للميت المكلف المؤمن عقيب الرابعة
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله [illegible]
[illegible]

باشد بحیثیت ابتدا و انتها پس اگر در عقد متعه ذکر اجل نکند
عمداً و سهواً یا اجل مجهول ذکر کند عقد درست نباشد و جایز است
که ابتدا اجل متصل بزمان عقد نباشد علی الخلاف چنانکه در اثنای
ماهی گوید که متعتک نفسی غرة الشهر الآتی الی سلخه بکذا یا آنکه در اول
ماه شوال مثلاً گوید متعتک نفسی فی عید شهر رمضان الی عید الاضحی
بکذا و در صورتی که عقد برین وجه واقع شود آن زن بعد از وقوع
عقد و پیش از حلول اجل شود دیگر نتواند کرد و آن مرد در آن مدت
خواهران زن نکاح نتواند کرد و اگر ابتداء اجل را ذکر نکند مبداء اجل
از وقت عقد خواهد بود چنانکه گوید متعتک نفسی الی سلخ هذا الشهر
یا گوید الی آخر هذا الشهر و اگر گوید متعتک نفسی عشرة ایام یا گوید
که متعتک نفسی من هذا الوقت الی عشرة ایام لازم بود که وقت عقد
معلوم باشد تا زن و جانبین تا انتهاء عشرة ایام معلوم باشد یعنی می باید
که بدانند که وقت صباح بوده یا پیشین یا نماز دیگر یا غیر آن یا آنکه
انتها وقت معلوم شود و اگر آن وقت معلوم نباشد انتهاء ده روز
معلوم نشود پس مجموع مدت مجهول باشد و عقد درست نباشد و اما صیغه
عقد متعه مثل صیغه عقد دوام است در لزوم عربیت و صحت
صیغه و ترکیب و اعراب و اختیار و تلفظ بصیغه و عدم فصل و سایر
شروط که مذکور شد در صیغه عقد دوام مگر آنکه در عقد متعه ذکر
مهر و اجل هر دو شرط است و در عقد دوام شرط نیست چنانکه گذشت
و صیغه عقد سه است یکی زوجتک دوم انکحت سیم متعت و صورت

عقد

رسالة مسار الشيعة من مؤلفات الشيخ السعيد محمد بن النعمان الملقب بالمفيد قدس سره المجيد

وبه نقتي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على ما بصّرنا من حكمته وهدانا اليه
من سبيل رحمته ويسّره من طاعته ومنّ علينا
من فوايد المثمرة لدوام نعمته في جنّته وصلّى الله على
صفوته من بريته محمد والائمة الطاهرين من عترته وسلّم
تسليما وبعد فقد وقفت ايدك الله على ما ذكرت من الحاجة الى
مختصر في تاريخ ايام مسار الشيعة واعمالها من القرب في الشريعة وما خالف
ذلك في معناه فيكون الاعتقاد بحسب مقتضاه ولعمري ان معرفة هذا الكتاب
من حلية اهل الايمان ومما يجب اعتقاده على اهل الفضل والايمان ولم يزل الصالحون

من هذه العصابة حرسها الله على مرور الايام يراعون التواريخ لاقامة العبادات
فيها والقربات والطاعات واستعمل ما يلزم العمل به للايام المذكورات واقامة حدود
الدين في فرق ما بين اوقات المسار والاحزان وقد كان بعض مشايخنا من اهل
العلم رسم في هذا المعنى طرفا يسيرا لم يات به على ما في النفس من الايثار واخل الجمهور
ما يراد لما كان من الاختصار وانا بمشية الله وعونه مثبت في هذا الكتاب ابوابا
يحتوي على ما سلف مما ذكرناه ويتضمن من الزياده ما يعظم الفايده به لمن تامله
وتبيّنه وقراه فاذا انتهيت في كل فصل منه الى ذكر الاعمال شرحت ما كان القول
مفيدا له على الايجاز وبيّنت عن كل عمل اغرب الخبر عنه بالشرح والتفصيل
واجملت منه ما يكثر القول فيه ويؤدي الى الملال والتطويل ليزداد الناظر المتعبد
استخراجه من الاصول اذا وقف على صفته بنحو النطق والدليل واقدم فيما اذكره
من ذكر الشهور شهر رمضان لتقدمه في محكم القران ولما فيه من العبادات والقربات
ولكونه عند آل الرسول عليهم السلام اول الشهور في ملة الاسلام ويبرهان حصول

الاشهر الحرم جميعا في كل سنة على ما قرره التبيان واتفق عليه حملة الاخبار
من انفراد رجب واتصال ما عداه منها من غير تباين وانفصال وتعدد وجودها
في سنة واحدة على خلاف هذا النظام واتبع القول فيما يليه من الاشهر على
الاتساق في خاتمة ذلك على التمام وبالله استعين شهر رمضان
هذا الشهر سيد الشهور على الاثر المنقول عن سيد النبيين ص وهو ربيع
المؤمنين بالخبر الطاهر عن العترة الصادقين عليهم السلام وكان الصالحون
يسمونه المضمار وفيه تفتح ابواب الجنان وتغلق ابواب النيران وتصفد
مردة الشياطين وقد وصفه الله تعالى بالبركة في الذكر الحكيم واخبر بانزاله
فيه القرآن المبين وشهد بفضل ليلة منه على الف شهر يحييها العادون
فاول ليلة منه تجب النية فيها للصيام ويستحب استقبالها بالغسل
عند وجوب الشمس والتطهر لها من الادناس وفي اولها دعاء الاستهلال
عند رؤية الهلال وفيها الابتداء بصلوة النوافل ليالي شهر رمضان

وهي الف ركعة من اول الشهر الى آخره بترتيب معروف في الاصول عن الصادقين
من آل محمد ص ويستحب فيها الابتداء بقراءة جزء من القرآن ويتلى من بعد الى آخره
ثلث مرات على التكرار ويستحب فيها ايضا مباضعة النساء على الحلال دون
الحرام ليزيل الانسان بذلك عن نفسه الدواعي الى الجماع في صبيحتها من
النهار ويسلم له صومه على الكمال وفيها دعاء الاستفتاح وهو مشروح في
كثير من كتب الصيام اول يوم منه فرض الصيام وبعد الصلوة الفجر منه
دعاء مخصوص موظف مشهور عن الائمة من آل محمد عليهم السلم وفي السادس
منه انزل الله التورية على موسى بن عمران عليه السلم وفيه من سنة احدى ومائتين
للهجرة كانت البيعة لسيدنا ابي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلم وهو
يوم شريف يتجدد فيه سرور المؤمنين ويستحب فيه الصدقة والمبرة للمساكين
والاكثار لشكر الله عز اسمه على ما اظهر من حق آل محمد عليهم السلام
وارغام المنافقين وفي اليوم العاشر منه سنة عشر من البعثة وهي قبل الهجرة

نزول تورية

وفاة خديجة عليها السلم

نزول الانجيل

ثلث سنين توفيت ام المؤمنين خديجة بنت خويلد رضي الله عنها وارضاها

واسكنها جنان النعيم وفي الثامن عشر منه نزل الانجيل على عيسى بن مريم عليه

وهو يوم المواخاة الذي آخى فيه بين صحبه وآخى بينه وبين علي صلوات الله

عليهما وفي النصف منه يستحب الغسل والتنفل بمائة ركعة يقرأ في كل ركعة

منها الحمد مرة واحدة وعشر مرات قل هو الله احد خارجة عن الالف الركعة

التي ذكرناها فيما تقدم وقد ورد الخبر في فضل ذلك بامر جسيم وفي النصف

منه ايضا سنة ثلث من الهجرة كان مولد سيدنا ابي محمد الحسن بن علي عليهما السلم

وفي مثل هذا اليوم سنة خمس وتسعين ومائة ولد سيدنا ابو جعفر محمد بن علي بن موسى

عليهم السلام وهو سرور المؤمنين ويستحب فيه الصدقة والتطوع بالخيرات

والاكثار من شكر الله على ظهور حجته واقامة دينه بخليفته في العالمين

وابن نبيه سيد المرسلين صلوات الله عليه وآله وسلم وفي ليلة سبع عشرة

منه كانت ليلة بدر وهي ليلة الفرقان ليلة مسرة لاهل الاسلام ويستحب فيها

الف

١٦

الغسل كما ذكرناه في اول ليلة من شهر رمضان وفي يوم السابع عشر منه كانت

الواقعة المشهورة ببدر ونزول الملائكة بالنصر من الله تعالى لنبيه عليه وآله السلام

وحصلت الدائرة على اهل الكفر والطغيان وظهر الفرق بين الحق والباطل

وكان بذلك عز اهل الايمان وذل اهل الضلال والعدوان ويستحب

فيه الصدقة ويستحب الاكثار من شكر الله تعالى على ما انعم على الخلق به من البينات

وهو يوم عيد وسرور لاهل الاسلام وفي ليلة تسعة عشر منه يكتب وفد الحاج

وفيها ضرب مولانا امير المؤمنين علي ابن ابي طالب عليه السلم الضربة التي

قضى فيها نحبه عليه السلام وفيها غسل كالذي ذكرناه من الاغسال وتصلى

فيها من الالف الركعة مائة ركعة على التمام ويستحب كثرة الاستغفار

والصلوة على النبي الهادي محمد بن عبد الله عليه وآله الصلوة والسلام

والابتهال الى الله تعالى في تجديد العذاب على ظالميهم من سائر الانام

والاكثار من اللعنة على قاتل امير المؤمنين عليه السلم وهي ليلة يتجدد فيها

لا اله الا الله والله اكبر الله اكبر الحمد لله على ما هدانا
وله الشكر على ما اولانا فبذلك ثبتت السنة عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
وجاءت الاخبار بالعمل به عن الصادقين من عترته عليهم السلم ومن السنة
في هذه الليلة ما وردت الاخبار بالترغيب فيه والحث عليه ان يسجد
الانسان بعد فراغه من فريضة المغرب ويقول في سجوده يا ذا الطول
يا مصطفيا محمدا وناصره صل على محمد وآل محمد واغفر لي
كل ذنب اذنبته ونسيته وهو عندك في كتاب
مبين ثم تقول اتوب الى الله مائة مرة وليَنوِ عند هذا القول
ما تاب منه من الذنوب في ما ... عليه ان شاء الله تعالى ويستحب ان يصلي في هذه
الليلة ركعتان يقرأ في الاولى منهما فاتحة الكتاب مرة واحدة وسورة
الاخلاص الف مرة وفي الثانية بالفاتحة وسورة الاخلاص مرة واحدة
فان الرواية جاءت بان من صلى هاتين الركعتين في ليلة الفطر لم ينفتل وبينه

١٨ وبين الله تعالى ذنب الا غفره وتطابقت الآثار عن ائمة الهدى عليهم السلم
بالحث على القيام في هذه الليلة والانتصاب للمسئلة والاستغفار
والدعاء وروي ان امير المؤمنين عليه السلم كان لا ينام فيها ويحييها بالصلوة
والدعاء والسؤال ويقول في هذه الليلة يعطى الاجير اجره اول يوم
منه هو عيد الفطر وانما كان عيد المؤمنين لمسرتهم بقبول اعمالهم
وتكفير سيئاتهم ومغفرة ذنوبهم وما جاءتهم البشارة من عند ربهم
جل اسمه من عظيم الثواب لهم على صيامهم وقربهم واجتهادهم وفي
هذا اليوم غسل وهو علامة التطهير من الذنوب والتوجه الى الله تعالى في طلب الحوائج
ومسألة القبول ومن السنة فيه الطيب ولبس اجمل الثياب والخروج الى الصحراء
والبروز للصلوة تحت السماء ويستحب تناول شيء من تربة الحسين بن علي عليهما السلم
فان فيها شفاء من كل داء ويكون ما يؤخذ منها مبلغا يسيرا وصلوة العيد في
هذا اليوم فريضة مع الامام وسنة على الانفراد وهي ركعتان بغير اذان ولا اقامة

ويستحب ان يغتسل [illegible]
قبل الخروج الى الصلوة [illegible]

ووقتها عند انبساط الشمس بعد ذهاب حمرتها وفي هاتين الركعتين اثنتي عشرة
تكبيرة منها سبع في الأولى مع تكبيرة الافتتاح والركوع وخمس في الثانية مع تكبيرة
القيام والقراءة فيهما عند آل الرسول عليهم السلام قبل التكبير والقنوت فيهما بين
كل تكبيرتين بعد القراءة وفي هذا اليوم فريضة اخراج الفطرة ووقتها
من طلوع الشمس إلى الفراغ من صلوة العيد فمن لم يخرجها من ماله وهو متمكن
من ذلك قبل مضي وقت الصلوة فقد ضيع فرضا واحتقب آثاما ومن أخرجها
من ماله فقد أدى الواجب وإن تعذر عليه وجوه الفقراء والفطرة زكوة واجبة
نطق بها القرآن وسنها النبي ص وبها يكون تمام الصيام وهي من الشكر لله تعالى
على قبول الأعمال وهي تسعة أرطال بالبغدادي من التمر وهو قدر الصاع
أو صاع من الحنطة أو الشعير أو الأرز أو الذرة أو الزبيب حسب ما يغلب
استعماله في كل صقع من الأقوات وأفضل ذلك التمر على ما جاءت به
الأخبار وفي هذا اليوم بعينه وهو أول يوم من شوال سنة احدى وأربعين من الهجرة

وقعة احد
شهادة حمزة

أهلك الله أحد فراعنة هذه الأمة عمرو بن العاص وأراح الله منه
أهل الإسلام وتضاعف به المسار وفي اليوم النصف منه سنة ثلث
من الهجرة كانت وقعة أحد وفيها استشهد أسد الله وأسد رسوله
وسيد شهداء وقته وزمانه عم رسول الله ص حمزة بن عبد المطلب بن
هاشم بن عبد مناف رضي الله عنه وأرضاه وفيه كان التمحيص للصابرين
مع نبيه عليه السلام والمنهزمين عنه من المستضعفين والمنافقين وظهر لأمير المؤمنين
عليه السلام من البرهان ما نادى به جبرئيل عليه السلام في الملائكة المقربين ومدحه
بفضله في عليين وأبان رسول الله ص لأجله عن منزلته في النسب والدين
وهو يوم يجتنب فيه المؤمنون كثيرا من الملاذ لمصاب رسول الله ص
بعمه وأصحابه المخلصين وما لحقه من الأذى والألم بفعل المشركين. ٥
شهر ذي القعدة وهو شهر حرام معظم في الجاهلية والإسلام وفي اليوم الثالث
والعشرين منه كانت وفاة سيدنا أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليهم السلام

وفاة سيدنا الرضا ع

بطوس من ارض خراسان سنة ثلث و مائتين من الهجرة و في اليوم الخامس
والعشرين منه نزلت الكعبة و هو اول يوم رحمة نزلت وفيه دحا الله
تعالى الارض من تحت الكعبة وهو يوم شريف عظيم من صامه كتب الله
الكريم له صيام ستين شهرا على ما جاء به الاثر عن الصادق عليهم السلام

شهر ذو الحجة الحرام وهو اكبر اشهر الحرم واعظمها وفيه الاحرام بالحج واتمام
فرضه ويوم عرفه ويوم النحر اول يوم منه لسنتين من الهجرة زوج
رسول الله ص امير المومنين بسيدة نساء العالمين فاطمة الزهراء البتول عليهما السلم
وفي اليوم الثالث منه سنة تسع من الهجرة نزل جبرئيل ع برد ابي بكر عن اداء
سورة براءة وتسليمها الى امير المومنين ع فكان ذلك عزلا لابي بكر من السماء
وتولية لامير المومنين من السماء وفي اليوم الثامن منه وهو يوم التروية ظهر
فيه مسلم بن عقيل داعيا الى سيدنا ابي عبد الله الحسين عليه السلم وفي هذا اليوم
عند زوال الشمس ينشئ المتمتع بالعمرة الى الحج الاحرام بالحج فان زالت الشمس

تزويج امير المومنين ع بسيدة النساء ع
رد ابا بكر
يوم التروية

ولم يكن طاف بالبيت سبعا وقصر فقد فاته المتعة على اكثر الروايات
وفي اليوم التاسع وهو يوم عرفه تاب الله تعالى على آدم ابي البشر عليه السلم
وفي هذا اليوم ولد ابرهيم الخليل عليه السلم وفيه نزلت توبة داود عم
وفيه ولد عيسى بن مريم عليهما السلم ويكون فيه الدعاء بالموقف بعد صلوة
العصر الى غروب الشمس على ما ثبتت به سنة الرسول صم وفيه ايضا يستحب
زيارة الحسين بن علي عليهما السلام والتعريف بمشهده لمن لم يتمكن من حضور
عرفات ومن السنة فيه لاهل ساير الامصار ان يخرجوا الى الجبانة و
الاجتماع فيها للدعاء وفيه استشهد مسلم بن عقيل رضي الله عنه
وفي يوم العاشر منه عيد الاضحى والنحر بعد صلوة العيد منه سنة لمن امكنه
او الذبح والصدقة باللحوم على الفقراء والمتجملين من اهل الاسلام والاضحية
لاهل منى وفي ثلثة ايام بعده وهي ايام التشريق وليس لاهل الامصار
ان ينحروا ويذبحوا الاضحية فيها الى غيرها من الايام وفيه صلوة العيد على ما شرحنا

فاتته
زبور توبة

ومن السنة فيه تأخير تناول الطعام حتى تحصيل الفراغ من الصلوة ويحب وقت
الأضحية كما بيّناه وتقدّم فيه صلوة العيد على الوقت الذي يصلي فيه يوم
الفطر لأجل الأضحية على ما وضعناه والتكبير من بعد الظهر منه في عقيب عشر
صلوة لساير أهل الأمصار وفيه خمس عشر صلوة وهو لمن تنفر الناس
شرح التكبير في هذه الأيام هو أن يقول المصلي في عقيب كل فريضة
اللهُ أكبرُ اللهُ أكبرُ لا إلهَ إلّا اللهُ واللهُ أكبرُ
والحمدُ للهِ على ما رزقنا من بهيمةِ الأنعامِ ويستحب فيه
التكبير للرجال والنساء وفي النصف منه اشتدّ الحصار لعثمان بن
عفّان وأحاط بداره طلحة وزبير في المهاجرين والأنصار وطالبوه
بخلع نفسه مطالبة حثيثة وأشرف بذلك على الهلاك وفي اليوم الثامن
عشر منه سنة عشر من الهجرة عقد رسول الله ص لمولانا أمير المؤمنين صلوات الله عليه
العهد بالإمامة في رقاب الأمة كافة وذلك بغدير خم من مرجعه من حجة الوداع

يوم غدير خم

جمع الناس فخطبهم ووعظهم ونعى إليهم نفسه ثم قررهم على فرض طاعته
على حسب ما نزل به القرآن وقال لهم على أثر ذلك من كنت مولاه فعليٌّ
مولاه اللهمّ والِ من والاه وعادِ من عاداه وانصر من نصره واخذل
من خذله ثم نزل فأمر الكافة بالتسليم عليه بإمرة المؤمنين تهنئة له
بالمقام وكان أول من هنّأه بذلك عمر بن الخطاب فقال له بخ بخ
يا ابن أبي طالب أصبحت مولاي ومولى كل مؤمن ومؤمنة وقال في ذلك
حسّان بن ثابت شعرا يهنئه فيه بالإمامة وقال بعده الشعراء
وأنزل على النبي ص عند ختامه كلامه في الحال اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت
عليكم ورضيت لكم الإسلام دينا وهو يوم عيد عظيم بما أظهر الله تعالى
من حجته وآياته من خلافة وصيّ نبيّه وأوجبه من العهد في رقاب بريته
ويستحبّ صيامه شكرا لله على جليل النعم فيه ويستحبّ أن يصلّي فيه
قبل الزوال ركعتان يتطوع الإنسان بهما ثم يحمد الله تعالى عليهما

ويصلي على محمد وآله والصدقة فيه مضاعفة وادخال السرور فيه على
اهل الايمان بحط الاوزار وفي هذا اليوم بعينه من سنة اربع وثلثين
من الهجرة قتل عثمان بن عفان وله يومئذ اثنان وثمانون سنة
واخرج من الدار والقي على بعض مزابل المدينة لا يقدم احد على مواراته
خوفا من المهاجرين والانصار حتى احتيل له بعد ثلث فاخذ سرا فدفن
في حش كوكب وهي مقبرة لليهود بالمدينة فلما ولي معوية بن ابي سفيان
وصلها بمقابر اهل الاسلام وفي هذا اليوم بعينه بايع الناس امير المومنين ع
بعد عثمان ورجع الامر اليه في الظاهر والباطن واتفقت الكافة عليه طوعا
بالاختيار وفي هذا اليوم فلج موسى بن عمران ع على السحرة … الله
فرعون وجنوده من اهل الكفر والضلال وفي هذا اليوم نجى الله تعالى
ابرهيم ع من النار وجعلها عليه بردا وسلاما كما نطق به القرآن
وفيه نصب موسى بن عمران ع وصيه يوشع بن نون ونطق … الاشهار

22

وفيه اظهر عيسى بن مريم ع وصيه شمعون الصفا وفيه اشهد سليمان
ابن داود عليهما السلم سائر رعيته على استخلاف آصف بن برخيا
وصيه ودل على فضله بالآيات البينات وهو يوم عظيم كثير البركات
وفي اليوم الرابع والعشرين منه باهل رسول الله ص بامير المومنين
وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام نصارى نجران وجاء بذكر
المباهلة به وبزوجته وولديه محكم البينات وفيه تصدق امير المومنين
عليه السلم بخاتمه فنزلت الآية وفي ليلة الخامس والعشرين منه
نزلت في امير المومنين وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلم هل اتى على
الانسان وفي اليوم السادس والعشرين منه سنة ثلث وعشرين من الهجرة
طعن عمر بن الخطاب وفي اليوم السابع والعشرين منه سنة مائتين واثنتي عشرة
من الهجرة كان مولد سيدنا ابي الحسن علي بن محمد العسكري عليهما السلم
وفي اليوم التاسع والعشرين منه سنة ثلث وعشرين من الهجرة قبض عمر بن الخطاب

يوم مباهلة

ولادة

شهر المحرم وهو شهر حرام وكانت الجاهلية تعظمه وثبت ذلك
في الإسلام في أول يوم منه استجاب الله تعالى دعوة زكريا عم وفي اليوم
الثالث منه كان خلاص يوسف عم من الجب الذي ألقاه إخوته فيه
على ما جاءت به الأخبار ونطق به القرآن وفي اليوم الخامس منه
كان عبور موسى بن عمران عم في البحر وفي اليوم السابع منه كلم الله موسى
ابن عمران عم تكليما على جبل طور سيناء وفي اليوم التاسع أخرج الله
تعالى يونس بن متى من بطن الحوت ونجاه وفي اليوم العاشر منه
مقتل سيدنا أبي عبد الله الحسين بن علي عليهما السلام في سنة إحدى وستين
من الهجرة وهو يوم يتجدد فيه أحزان آل محمد عليهم السلام وشيعتهم
وجاءت الرواية عن الصادق عليه السلام باجتناب الملاذ فيه وإقامة
سنن المصائب والإمساك عن الطعام والشراب إلى أن تزول الشمس
والتغذي بعد ذلك بما يتغذى به أصحاب المصائب كالألبان

مقتل ابي عبد الله الحسين عليه السلام

٢٤

وما أشبههما دون الملاذ من الطعام والشراب ويستحب فيه زيارة
المشاهد والإكثار فيها من الصلاة على محمد وآله عليهم السلام والابتهال
إلى الله تعالى باللعنة على ظالميهم وروي من زار الحسين في يوم عاشورا
فكأنما زار الله تعالى في عرشه وروي أنه من زاره عم وبات عنده ليلة
عاشورا حتى يصبح حشره الله تعالى ملطخا بدم الحسين عم في جملة
الشهداء معه عليه السلام وروي أن من زاره عم في هذا اليوم غفر الله
ما تقدم من ذنبه وما تأخر وروي أن من زاره فقد قضى حق رسول الله ص
وحق أمير المؤمنين وفاطمة والحسن عليهم السلام فليزر الحسين عم في يوم عاشورا
١٧ عشر ...م السابع والعشر انصراف أصحاب الفيل عن مكة وقد نزل عليهم
العذاب وفي ليلة إحدى وعشرين منه سنة ثلث من الهجرة كان نقل فاطمة
إلى أمير المؤمنين عليهما السلام وزفافها إليه ولها يومئذ تسع عشرة سنة
وروي تسع سنين وفي اليوم الخامس والعشرين سنة أربع وتسعين كانت

زفاف الى المو...

وفاة سيدنا ع الحسين بن ع علي...

وفاة زين العابدين عليه السلام شهر صفر اول يوم منه سنة احدى وعشرين
ومائة كان مقتل زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام وهو يوم تجدد
فيه احزان آل محمد عليهم السلام وفي اليوم الثالث منه سنة
اربع وستين من الهجرة احرق مسلم بن عقبة ثياب الكعبة ورمى
حيطانها بالنيران فتصدعت وكان عبد الله بن الزبير متحصنا
بها وابن عقبة يومئذ يحاربه من قبل يزيد بن معوية بن ابي سفيان
وفي اليوم العشرين منه كان رجوع حرم سيدنا ابي عبد الله ع
من الشام الى مدينة الرسول ص وهو اليوم الذي ورد فيه جابر بن عبد الله
بن حرام الانصاري صاحب رسول الله ص رضي عنه وارضاه من المدينة
الى كربلا لزيارة قبر سيدنا ابي عبد الله عليه السلام فكان اول زائر
من المسلمين ويستحب زيارته ع في الليلتين بقيتا منه سنة احدى عشرة الكامل
من الهجرة كانت وفاة سيدنا رسول الله ص وفي مثله سنة خمسين من الهجرة

٢٤

كانت وفاة سيدنا ابي محمد الحسن بن علي بن ابي طالب عليهما السلام
شهر ربيع الاول اول ليلة منه هاجر رسول الله ص من مكة الى المدينة
سنة ثلث عشرة من مبعثه وكانت ليلة الخميس وفيها كان مبيت امير المؤمنين
علي ابن ابي طالب عليه السلام على فراش رسول الله ص ومواساته له بنفسه
حتى نجا عليه السلام من عدوه فحاز بذلك امير المؤمنين عليه السلام شرف الدنيا
والآخرة وانزل الله مدحه لذلك في القران المبين وهي ليلة فيها عظيم والدين
النعم لموالي المؤمنين بما يوجب مسرة اوليائه المخلصين وفي صبيحة هذه الليلة
صار المشركون الى باب الغار عند ارتفاع النهار لطلب النبي صلى الله
عليه واله وسلم فستره الله عنهم وقلق ابو بكر بن ابي قحافة وكان معه في
الغار بمصيرهم الى بابه فظن انهم سيدركونه فحزن لذلك وجزع
فسكنه النبي ص ورفق به وقوى نفسه بما وعده من النجاة منهم وكان
الله ناصرا له فهذا اليوم يحق ... للشيعة ... رسول الله ص من اعدائه

خروج النبي من الغار

دخول المدينة

وفاة سيدنا الحسن العسكري ومصير الخلافة الى القائم عليهم السلام

تزويج

وفاة عبد المطلب

ولما اظهره الله تعالى من آياته وايده من نصره وهو يوم حزن للناصبة
لاقتدائهم بابي بكر واجتنابهم المسرة وقتا اخانه وفي ليلة الرابعة منه
كان خروج النبي ص من الغار متوجها الى المدينة فاقام صلى الله عليه واله وسلم
بالغار وهو جبل خارج مكة غير بعيد اسمه ثور ثلثة ايام وثلثة ليال
وصار منه فوصل الى المدينة يوم الاثنين الثاني عشر من شهر ربيع الاول
عند زوال الشمس منه وفي اليوم الرابع منه من سنة ستين ومائتين كانت
وفاة سيدنا ابي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي الرضا عليهم السلام
ومصير الخلافة الى القائم بالحق صلوات الله عليه وفي اليوم العاشر منه
تزوج النبي صلعم بخديجة بنت خويلد ام المومنين بخمس وعشرين سنة من مولده
وكان لها يومئذ اربعين سنة وفي مثله لثمان سنين من مولده كانت وفاة
جده عبد المطلب رضي الله عنه وهو سنة ثمان من عام الفيل وفي اليوم الثاني
عشر منه كان قدوم النبي صلعم المدينة مع زوال الشمس وفي مثله من سنة اثنين

٢٧

وثلثين ومائة من الهجرة كانت انقضاء دولة بني العباس وفي اليوم الرابع عشر
منه سنة اربع وستين من الهجرة كان هلاك الملحد الملعون يزيد بن معوية بن ابي
سفيان ضاعف الله عليه العذاب الاليم وكان سنه يومئذ ثمان وثلثين سنة
وهو يوم يتجدد فيه سرور المومنين وفي اليوم السابع عشر منه مولد سيدنا
رسول الله صلعم عند طلوع الفجر من يوم الجمعة في عام الفيل وهو يوم شريف عظيم
البركة ولم يزل الصالحون من آل محمد عليهم الصلوة والسلام من قديم الاوقات
يعظمونه ويعرفون حقه ويرعون حرمته ويتطوعون بصيامه وروي
عن ائمة الهدى عليهم السلام انهم قالوا من صام يوم السابع عشر من شهر ربيع
الاول وهو مولد سيدنا رسول الله صلعم كتب الله له صيام سنة ويستحب فيه الصدقة
والاهتمام بزيارة المشاهد والتطوع بالخيرات وادخال المسرة على اهل
الايمان شهر ربيع الآخر اليوم العاشر منه سنة اثنين وثلثين ومائتين
من الهجرة كان مولد سيدنا ابي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي الرضا عليهم السلام

مروان

ولادة سيدنا رسول الله صلى الله عليه واله

مولد سيدنا الامام ابي محمد الحسن العسكري عليه السلام

وهو يوم شريف عظيم البركة وفي اليوم الثاني عشر منه في اول سنة من الهجرة
استقر فرض صلوة الحضر والسفر **شهر جمادى الاول** النصف منه
سنة ثمان وثلثين من الهجرة كان مولد سيدنا ابي محمد علي بن الحسين زين العابدين (مولد سيدنا زين العابدين عليه السلام)
عليه وآبائه السلام وهو يوم شريف ويستحب فيه الصيام والتطوع بالخيرات
وفي بعينه من هذا اليوم سنة ست وثلثين كان فتح البصرة ونزول النصر من الله (الكريم)
العزيز على امير المؤمنين عليه السلام **شهر جمادى الآخر** اليوم الثالث منه سنة
احدى عشرة من الهجرة كانت وفاة السيدة فاطمة الزهراء بنت رسول الله (وفاة سيدتنا فاطمة عليها السلام)
صلى الله عليه وآله وهو يوم يتجدد فيه الاحزان اهل الايمان وفي النصف منه
سنة ثلث وسبعين من الهجرة كان مقتل عبد الله بن الزبير بن العوام وله
يومئذ ثلث وسبعون سنة وفي اليوم العشرين منه سنة اثنين من المبعث كان
مولد السيدة الزهراء فاطمة عليها السلام وهو يوم شريف يتجدد فيه السرور (مولد سيدتنا فاطمة عليها السلام)
المؤمنين ويستحب فيه التطوع بالخيرات والصدقة على المساكين وفي اليوم السابع

الور

والعشرين منه سنة ثلث عشرة من الهجرة كانت وفاة ابي بكر عتيق بن ابي
قحافة وولاية عمر بن الخطاب مقامه بنصه عليه ووصيته بالامر اليه
شهر رجب وهو آخر اشهر الحرام في السنة على الترتيب الذي قدمنا
وبينا ان اول شهورنا شهر رمضان وهو شهر عظيم البركة شريف لم تزل
الجاهلية تعظمه قبل مجيء الاسلام ثم تأكد شرفه وعظمه في شريعة
النبي صلى الله عليه وآله وهو الشهر الاصم وانما سمي بذلك لان العرب لم تكن تغير فيه ولا ترى
الحرب وسفك الدماء وكان لا تسمع فيه حركة السلاح ولا صهيل خيل
واصوات الرجال في اللقاء والاجتماع ويستحب صيامه فقد روي
عن امير المؤمنين عليه السلام انه كان يصوم ويقول شهر رجب شهري وشعبان
شهر رسول الله صلى الله عليه وآله ورمضان شهر الله عز وجل اول يوم منه كان
مولد مولانا وسيدنا ابي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام روي (مولد الامام محمد الباقر عليه السلام)
جابر الجعفي قال ولد الباقر عليه السلام ابو جعفر محمد بن علي عليهما السلام

يوم الجمعة غرّة رجب سنة سبع وخمسين من الهجرة وروي ان من صام
من اوله سبعة ايام متتابعات غلقت عنه سبعة ابواب النّار
فان صام ثمانية ايام فتحت له ثمانية ابواب الجنان فان صام منه
خمس عشر يوما أُعْطِيَ سؤله فان صام الشّهر كله اعتق الله الكريم
رقبته من النّار وقضى له حوائج الدنيا والآخرة وكتبه في الصّدّيقين
والشّهداء وهذا اذا كان الانسان مؤمنا مجتنبا للكباير الموبقات
كما قال الله عزّ وجلّ انما يتقبل الله من المؤمنين وللعمرة فيه فضل كثير
قد جاءت به الآثار ويستحب زيارة سيدنا ابي عبد الله الحسين بن علي عليهما السلام
روى بشير الدهان عن جعفر بن محمد عليهما السلام انه قال في اوّل يوم
منه وقد روي عن الصادق عليه السلام انه قال من زار الحسين بن علي
عليهما السلام في اول يوم من رجب غفر الله له البتة ومن لم يتمكن
من زيارة ابي عبد الله ع في هذا اليوم فليزر بعض مشاهد السّادة

فان لم يتمكن من ذلك فليومئ اليهم بالسلام وليجتهد في اعمال البر والخيرات — فليومِ
وفي اليوم الثالث منه سنة اربع وخمسين ومائتين من الهجرة كانت وفاة
سيدنا ابي الحسن علي بن محمد صاحب العسكر عليه السلام وله يومئذ احدى و — وفاة سيدنا علي [illegible] عليه الصلوة والسلام
اربعون وفي اليوم النّصف منه لخمس اشهر من الهجرة عقد رسول الله
صلى الله عليه وآله لامير المؤمنين عليه السلام على ابنته فاطمة عليها السلام عقد النكاح
وكان فيه الاشهاد لربها الاملاك وسنها يومئذ احدى عشر سنة — ثلث
عليها التحية والرضوان ويستحب في هذا اليوم الصيام وزيارة المشاهد
على اصحابها السلام ويدعى فيه بدعاء امّ داود وهو موجود في كتب
اصحابنا على شرح لا يحتمل هذا المكان لما قصدناه من الاختصار
وفي هذا اليوم سنة اثنين من الهجرة حولت القبلة من بيت المقدس
الى الكعبة وكان الناس في صلوة العصر فتحولوا منها الى البيت الحرام
وفي اليوم الثالث والعشرين منه ولد امير المؤمنين علي بن ابي طالب ع — ولادة امير المؤمنين [illegible] ابي طالب عليه السلام

بمكة في البيت الحرام سنة ثلثين من عام الفيل وهو يوم مسرة لاهل الايمان
وفي اليوم الثالث والعشرين منه سنة ستين من الهجرة كان هلاك معوية بن ابي
سفيان وسنه يومئذ ثمان وسبعين سنة وهو يوم مسرة للمؤمنين وحزن لاهل
الكفر والطغيان وفي اليوم الخامس والعشرين من سنة ثلث وثمانين ومائة من
الهجرة كانت وفاة سيدنا ابي الحسن موسى بن جعفر عليهما السلم قتيلا في حبس
سندي بن شاهك وله عليه السلم يومئذ خمس وخمسون سنة فهو يوم يتجدد
فيه احزان آل محمد عليهم السلم وفي اليوم السابع والعشرين منه كان مبعث النبي ص
وفرض صيام كتب الله صيام ستين سنة وروي عن الصادق عليهم السلم انهم قالوا
من صلى في يوم سبعة وعشرين من رجب اثنتي عشرة ركعة يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب
وسورة يس فاذا فرغ من هذه الصلوة قرأ عقيبها فاتحة الكتاب
سبع مرات والمعوذات الثلث اربع مرات وقال سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر اربع مرات وقال الله

هلاك معوية عليه اللعنة

وفاة سيدنا الكاظم ع

مبعث النبي ص

٢٨

الله ربي لا اشرك به شيئا اربع مرات ثم دعا استجيب له في كل ما يدعو به
الا ان يدعو بحاجة في قوم مؤمنين او قطيعة رحم وهو يوم شريف عظيم البركة
ويستحب فيه الصدقة والتطوع بالخيرات وادخال السرور على اهل الايمان
شهر شعبان وهو شهر شريف عظيم البركات وصيامه سنة من سنن
النبي صلى الله عليه وآله وفي اليوم الثاني منه سنة اثنتين من الهجرة نزل فرض
صيام شهر رمضان وفي اليوم الثالث منه ولد الحسين بن علي عليهم السلام
وهو يوم الخميس وصيامه فيه ثواب عظيم وفي ليلة النصف منه سنة اربع وخمسين
ومائتين من الهجرة كان مولد سيدنا صاحب الزمان عليه الصلوة والسلام
وعلى آبائه الطاهرين ويستحب في هذه الليلة الغسل واحياؤها بالصلوة
والدعاء وفي هذه الليلة تكون زيارة سيدنا ابي عبد الله الحسين بن علي ع
وقد روي عن الصادقين عليهم السلم انهم قالوا اذا كان ليلة النصف من شعبان
نادى مناد من الافق الاعلى زائري قبر الحسين ارجعوا مغفورا لكم ثوابكم على ربكم

بحاجة

ومن الصيام

مولد سيدنا الحسين عليه السلم

مولد سيدنا صاحب الزمان عليه السلم

ومحمد نبيكم ومن لم يستطع زيارة الحسين بن علي عليهما السلم في هذه الليلة
فليزر غيره من الأئمة عليهم السلام فان لم يتمكن من ذلك أومى اليه بالسلام
واحياؤها بالصلوة والدعاء وقد روي ان امير المؤمنين صلوات الله
عليه كان لا ينام ثلث ليال في السنة ليلة ثلث وعشرين من شهر رمضان ويقول
انها الليلة التي يرجى ان تكون ليلة القدر وليلة الفطر ويقول في هذه الليلة
يعطى الاجير اجره وليلة النصف من شعبان ويقول في هذه الليلة
يفرق كل امر حكيم وهي ليلة تعظمها المسلمون جميعا واهل الكتاب
وقد روي عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلم انه قال اذا كان ليلة
النصف من شعبان اذن الله تعالى للملئكة بالنزول في الارض من السماء
وفتح ابواب الجنان واستجيب فيها الدعاء فليصل العبد فيها اربع ركعات
يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرة وسورة الاخلاص مائة مرة
فاذا فرغ منها بسط يديه للدعاء وقال في دعائه

اللّهم اني اليك فقير وبك عائذ ومنك
خائف وبك مستجير رب لا تبدل اسمي ولا تغير
جسمي واعوذ بعفوك من عقابك واعوذ برضاك
من سخطك واعوذ برحمتك من عذابك انت كما
اثنيت على نفسك وفوق ما يقول القائلون صلّ
على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا
ويسأل حوائجه فان الله جواد كريم وروي ان من صلى هذه الصلوة
في ليلة النصف من شعبان غفر الله سبحانه ذنوبه وقضى حوائجه واعطاه
سؤله ٥ ٥ تمت هذه الرسالة المسمى بمصباح الشيعة بحمد الله وحسن
التوفيق والصلوة والسلام على خاتم المرسلين وآله الطيبين الطاهرين ٥
في التاريخ يوم الجمعة ثالث شهر ذي القعدة الحرام [illegible]

فلت از درد دل ... بعد از الحمد ... الكرسي ... استغفر الله ربي واتوب اليه

خمس حصاة بسم الله الرحمن الرحيم اول ... دوم باسم جبرئيل ع سيوم باسم ميكائيل چهارم باسم ابراهيم خليل ع پنجم باسم محمد ص بگرد و در دستار خود بنهد و در جيب ... از آفات راه ايمن باشد مجربست

ولو ابدا ... عمل ميكند

... متعة ... المبلغ والمدة المعلوم ...

... بالمدة المعلومة ... المبلغ المعلوم ...

... المعلوم ... المبلغ ... المدة المعلومة ... [illegible]

قال النبي ص من تمتع مرة واحدة عتق ثلثه من النار ومن تمتع مرتين عتق ثلثاه من النار ومن تمتع ثلث مرات عتق كله من النار

وقال النبي ص من تمتع مرة واحدة كان له درجة كدرجة الامام حسين ع ومن تمتع مرتين كان له درجة كدرجة الامام حسن ع ومن تمتع ثلث مرات كان له درجة كدرجة علي ع ومن تمتع اربع مرات كان له درجة كدرجة محمد ص

وقال الله تعالى فمتعوهن على الموسع قدره وعلى المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا على المحسنين

وقال النبي ص المتعة جنة من النار وعنه ص المتعة براءة من الشيطان والنار صدق

وعنه ص من ترك متعة لم ينل شفاعتي

ان يعرف ان رجلا وامرأة يجتمعان ... فانهما يجتمعان وان نقص ... واحدة ... اثنان او اربعة فانهما لا يجتمعان

اللهم اغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك

الأصول من اكل البغغة وقذف الوغفة

واستعمل الشستين او من الشوص واللوص والعلوص

صيغة النكاح

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب

العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء

وسيد المرسلين على آله الغر وشيعته نبيه محمد صلى الله عليه وآله

وعلى ابن عمه علي بن ابي طالب والائمة المعصومين من ذريته صلوات الله عليهم اجمعين

والبراءة من اعدائهم ابو كالتي عن موكلتي فلانة وعن ابيها

لولاية عليها زوجتك موكلك هما الان على مهر فلان كذا

من المعاملة المتكلة فيقول الزوج

لا وفا ملة قبلت التزويج

الحمد ... اعظم ... ارفع ...

۳۱